

Jomhuria Test-texts 1

June 8, 2015

خوشنویسی

خوشنویسی یا **خطاطی** به معنی زیبایی‌نویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش نویس نام دارد. به‌خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه‌ی شخص باشد. گاهی دیک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است. به نظر می‌رسد برای دیک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید به‌انیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن، سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند.[۱] از این رو خوشنویسی با نگارش سادهٔ مطالب و حتا طراحی حروف و صفحه‌آرایی متفاوت است. همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را با حدی از دیجیتالیزه‌گرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد.

خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قلهٔ هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی نمادنی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهندهٔ آن. نمادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و بیوایی و تعبیر شکل پابستگی آن از سوی دیگر؛ نمادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملامت م و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد.

اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص- و با حدود زیادی غیرقابل تغییر، برخوردارند، آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود. در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده‌است و هر حرف به صورت یک «مدول» ثابت درمی‌آید که بخشی از آن به‌منزله نادیده گرفته‌ش نواقعی چندصده‌ساله‌است که همیشه میان خوشنویسی و مخاطب برقرار بوده و با رعایت طرفین حاصل می‌آمده‌است. حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبنای مشخصی تعیین می‌شده که در «رسم‌الخط»ها و «آداب‌المشق»ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شده‌است. گزاف‌گویی کلمات نیز– یعنی «ترسی»– هر سطر هر چند نه به صورت کاملاً پیش‌بینی و تکلیف شده – که ناممکن بوده‌است – اما به‌شکل «سفینه مطلوبه» زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده‌است.

خوشنویسی اسلامی

خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی داشته‌است. زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند. آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها بکار می‌بردند.[۵] خوشنویسی با خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است. مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت نفراقت در این هنر تبحری یافت و خوشنویسی به مانند مشهوری در میان سایر هنرهای بصری ابلیق نقش کرده‌است. خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده‌است.

قدیمی‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی‌طالب منسوب است. پس از قرن پنجم هجری، خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه‌دار خط کوفی متعنی و فوس‌دار است.[۶]

در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقفه بهشاذی سرازری خطوطی را بوجود آورد که به خطوطه ششگانه یا اقدم سته معروف شدند که عبارتند از: محقق، ریحان، لکت، نسخ، رقاغ و توقیع. که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می‌باشد. همچنین او برای این خطوطه قواعدی وضع کرد که به اصول دوازدهگانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، نمود مجاز، نزول مجاز، اصول، سفا و شان.[۷]

یک قرن بعد از ابن مقفه، ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود.[۸]

خوشنویسی ایرانی

درحالی که عمدهٔ تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده‌است، رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند. هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفه‌آرانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و هند می‌باشد. در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است.

در ایران پس از فتح اسلام، خطاطی به شیوهٔ نسخ وجود داشت. در زمان حکومت ایلخانان، اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزئینی زینت یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران، خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را بنیان نهاد. مشهورترین خطاطا قرآن در این دوره بایستقر میرزا بود.[۹]

آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار، قطعات تظریف هنری و با برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و بکار رفته‌است. این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته‌است. هرچند آنان نیز برای امور مدنی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر بکار می‌بردند، اما اوج هنرنامهی آنان – بر خلاف خوشنویسان ایرانی– در خط لکت و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است.

در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوطه لکت و نسخ بهره می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد. هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند.

خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست. خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم یا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاغ به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود. که بعدها به وسیله خواجه عبدالرحی منشی استر ابداع بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد.[۱۰]

پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود. در قرن هشتم میرعلی شیرازی (۸۵۰ هجری قمری) از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد. این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید.[۱۱] و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید.

خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند. در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه، افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان (که تعلق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند) رشد و پیدشرفت قابل توجهی کرد.

بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست. در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد. علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور مثنوی‌گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست. همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق، ایرانیان به‌خاطر سرعت در کتابت، شکسته تعلیق آن‌را نیز بوجود آوردند.[۱۲] درویش عبدالمجید طائفانی این خط را به کمال رساند.

در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد. از یک سو با تأکید و توسعه سیاه‌مشق‌نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد. در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی حتم را از کنج کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریانات هنری مدرنی شیوه‌هایی چون نقاشیخط را به‌وجود آوردند که کماکان مورد توجه محافل هنری جهان است.

در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۳۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت. همچنین خطی به نام معلی در سال‌های اخیر با تأثیر از خطوط اسلامی – ایرانی لکت و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید مجیدی ابداع گردید که تاحدق مورد استقبال قرار گرفت. آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می توان به ابداعات خوشنویسی سبحان مهرزاد محمدپور اشاره کرد . خط سبحان یک خط قانونمند همانند نسخ و لکت بوده و قابلیت کتابت و کتبه نویسی فارسی و عربی را دارا می باشد و آن را در دسته ی خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند.

فن الخط

فن الخط وهو نوع من الفنون البصرية. وهو غالبا ما يطلق على فن الكتابة (Mediavilla) ١٩٩٦ : ١٧). والتعريف المعاصر لممارسة فن الخط العربي هو "فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معينة، ومنظمة، وماهرة" (Mediavilla ١٩٩٦ : ١8). قصة الكتابة هي واحدة من التطور الجماعي متعدد في إطار المهارات التقنية، وسرعات الانتقال وتحديد المواد، الزمان والمكان من الشخص (Diringer ١٩٦٨ : ٤٤١). ويوسف نسط معين من الكتابة بأنه نصي، أو نسخ أبجدي (فرينز و Kwiatkowski ٢٠٠٦ : جوستون ١٩٠٩ : بلايت ٦).

يتراوح الخط الحديث من كتابات وتصاميم خط اليد اللغويي إلى القطع الفنية حيث التفسير المجرد للعلامات المكتوبة بخط اليد التي قد تحل أو لا تحل محل قراءة الحروف (Mediavilla ١٩٩٦). يشتق الخط العربي الكلاسيكي عن الطباعة وعن خط اليد العبري تقليدك، وإن كان الخطاط قد يبتكر كل هؤلاء؛ وهي تاريخيا حروف منمنمة ومع ذلك سمة وثقافية ومرتجلة في لحظة الكتابة (بوت ٢٠٠٦ وZapp ٢٠٠٧ و٢٠٠٦).

و يستمر الخط العربي في الأذهان في أشكال دعوات الزواج والأحداث، وتصميم بنط / الطباعة، وتصميم الشعار باستخدام خط النسخ، والفن الديني، والإعلانات / التصميم الجرافيكي / وفن الخط، والنش على القطع الحجرية ووثيقة العزاء. ويستخدم أيضا من أجل الأثاث والصور المتحركة لتسليما والتلفزيون، والشهادة في القضاء، وشهادات الميلاد والوفاة، والطرائف، وغيرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة.

الأدوات

الأداة الرئيسية في فن الخط هو القلم، مشطوف الرأس والمعدب و الريشة. وهناك المعصرة عبارة عن حبر زيتي القوام يستخدم في الكتابة. وكذلك من ادوات الخط الورق عالي الجودة.

الفنون البصرية

الفنون البصرية هي الأشكال الفنية التي تركز على إنشاء الأعمال التي هي في المقام الأول مرئية في الطبيعة، مثل الفنون التشكيلية التقليدية (الغرف، الرسم، الرسم الفني، النحت،المعارة، والطباعة)، الفنون البصرية الحديثة (التصوير الفوتوغرافي، الفيديو وساعة الأفلام)، والتصميم والحرف اليدوية. العديد من التخصصات الفنية (الفنون المسرحية، فنون اللقطة، فنون النسيج وفن الطهي) تنطوي على جوانب من الفنون البصرية. بالإضافة إلى أنواع أخرى، وبالتالي فإن هذه التعريفات ليست دقيقة.

والمفهوم المتغير. الاستخدام الحالي لمصطلح "الفنون البصرية" يتضمن الفنون الجميلة بالإضافة إلى الحرف اليدوية، ولكن هذا ليس هو الحال دائما. قبل حركة الفنون والحرف اليدوية في بريطانيا وأماكن أخرى في مطلع القرن 20th "الفنان التشكيلي" يعود على الشخص الذي يعمل في مجالالفنون الجميلة (مثل الرسم، النحت، أو الطباعة) وليس مجال الأعمال اليدوية والحرفية. أو من يطبق ضوابط الفن. وأنه التمييز من قبل فنانين من مجال الفنون والحرف الحركية الذين يقدرون أشكال الفن العامة بقدر الأشكال الامة. الحركة تتناقض مع المتحررون الذين سخوا لتجنب الفنون العالية عن الجماهير من خلال ابتغالها مقصورة على فئة معينة من الناس. [بحاجة لمصدر] مدرسة الفن تفرق بين الفنون الجميلة والحرف اليدوية في مثل هذه الطريقة التي لا يمكن اعتبار الحرفيين معارسون للفن.

فن الكمبيوتر

الفنانين البصريين لم يعد يقتصر عمله على وسائل الفن التقليدي، أجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون البصرية من سهولة (ألا،0/) أو قالبDn. للتحزين،استكشاف مكونات متعددة، للطباعة (بما في ذلك الطباعة تلافية الأبعاد.

فن الكمبيوتر هو أي فن يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني. هذا الفن يمكن أن يكون صورة، صوت، صور متحركة،فيديو، أقراص مضغوطة، دي في دي، لعبة فيديو، موقع، خوارزمية، أدأ، أو تثبيت معرض رسوم. العديد من التخصصات التقليدية الآن تقوم بدمج التقنيات الرقمية و، نتيجة لذلك، الخطوط بين العمل التقليدي للفن وعمل الوسائل الجديدة التي تم إنشاؤها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت غير

واضحہ، علی سبیل المثال، الفنان قد يجمع بين الرسم التقليدي مع الفن الحصري وغيرها من التقنيات الرقمية. نتيجة لذلك، تحديد فن الكمبيوتر بواسطة منتجها النهائي يمكن أن يكون صعبا. ومع ذلك، هذا النوع من الفن قد بدأ بالتطور في المتاحف والمعارض الفنية. على الرغم من أنه لم تُثبت شرعيّتها بعد بوصفها شكلا فنانا بذاته وهذه التكنولوجيا على نطاق واسع في الفن المعاصر تعتبر كأداة أكثر من أنها شكلا من أشكال الفن كما هو الحال مع التصوير الزيتي.

استخدام الكمبيوتر حجب الفرق بين الرسامون، المصورون، محررين الصور، المماذج ثلاثية الأبعاد، وفنانو الحرف اليدوية. برامج التحرير والتقديم المتطورة أدت إلى تعدد مهارات مطورين الصور. قد يصبح المصورين فنانين رقميين قد يصبح الرسامين صانعو رسوم متحركة. الحرف اليدوية قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام الكمبيوتر لتوليد الصور كقالب. استخدام مقاطع الكمبيوتر الفنية جعلت التصوير الواضح بين الفنون البصرية ومخططة الصفحة أقل وضوحا بفضل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة، وخاصة للفنانين الذين يفتخرون للبراعة.

آرت

آرت ایسے کم یا کماں نوں اکھیا جاند اے جیدت وچ چیزاں نوں نشاناں تال اینج دسیا جاند اے جے اوہ سونیاں لگن۔ آرت دی بنی شی کوئی کھانی دسدی اے یا صرف کوئی سونیا سج یا موسوس ہون والا جذبہ۔ انسائیکلوپیڈیا بریٹانیکا آرت نوں اینج دسد اے، "اوہ سونیاں شیواں، محول، یا تجربیاں جنہاں نوں دوجیاں نوں وق دسیا جا سکے تے جنہاں دت بنان وچ سوچ تے گر نوں ورتیا گیا یوئے۔" ایہئے آرت وچ موریاں (Painting) بنی بنانا(Sculpture)۔ تے فونڈگرافى آئدے نیں۔ آرکیٹیکچر نوں وق دیکھے جان والے آرت وچ گنیا جاند اے پر اویدت وچ آؤس شے تے کم لپیا اویدت بنان دا مذہر یولدا اے، موسیقی، ٹھینر، فلم نوں آرت تال رکایا جاسکدا اے۔

آرت فلاسفی دی اک ونڈ اے جیدت وچ ایدی اصل ایذا بنانا تے ایہنوں دسیا آئدے نیں۔ آرت اک ول یا راہ اے انسانی سوچ یا جذبے نوں دسن یا کسے پور تک ایڑاں لئی۔ ارسطو دی فلاسفی وچ آرت اک ودیا تے آئیڈیل نقل (Mimesis) اے۔ ایو ٹالسٹائی ایہنوں اک بندے نوں دوجے بندے تک گل ایڑاں دا پتھا ول کیندا اے۔ مارٹن بائیکٹر دی اکھ وچ آرت اک ایسا ول اے جیدت رابیس کوئی سکتے اپنا آپ دسدی اے۔

تربخ

وینس ولنڈورف

آرت دے سب توں پراںے نمونے پتھر ویلے نوں لبیدے نیں وینس ولنڈورف 24,000 توں 22,000 م پ دی اک رزائی دی پتھر دی بنی مورتی اے جیہڑی آسٹریا نوں لی سی۔ کاسکو فرانس وچ زمین دے اندر غاراں وچوں 17,300 ورت پرائیاں جانواریاں تے انساناں دیاں مورتاں کندانے تے بنایاں ملیاں نیں۔ ایہناں وچ انسان شکار کردا دسیا گیا اے، وشکارہ پتھر ویکہ 6000–8000 م پ ننگان تے نیولٹنک ویلے 3000–6000 م پ وچ انسان نے والی بیچی تے اک تھانے تے تک کے رینا سکھیا، ریتلن کتجلیاں بویاں تے مذہب تے وق ماندا پائی تے انسان نے اپنے فیدت لئی پتھ تال کئی چیزاں بنایاں سکھیاں تے فیر کانسے ویلے 1000–3000 م پ وچ پھلپاں انسانی ریتلن پونگتریاں۔ پراںے مصر، عراق، فارس، یزیرہ ریتل، چین، پراںے یونان، روم تے انکا تے مایا دیاں ریتلن نے ایندیاں آرت دیاں ریتاں ایندیاں ضرورتاں تے اپنے کول یون والیاں شیواں نوں بنایاں۔ آرت اوہوں لکھائی دے بن تال تردا اے، لکھائی اپنے مذہر ویلے توں تے ہیار دے کم نوں سکھا تے این دین نوں یاد رکھن لئی بنی، لکھائی پھلے مورتاں تال تے فیر واراں نوں نشان دے کے تے اونیان نوں جوڑ کے بنائی جاندی اے،

پرانا عراق

پراںے عراق دا آرت دجہے تے فرات دے دریاواں دے وشکار 6 ہزار ورت پھلے توں اونچے پونگٹن والیاں اشورق، سمیرق، کالقد، ریتلن وچ بنیا۔ ایہنوں دے آرکیٹیکچر وچ ابن تے ذات دا ۱۰ وزین سی تے ایہدے تال وگورت، مسدر تے وکھریاں بدھراں والے برم بنائے گئے۔ مصلان وچ وکھریاں بدھراں تے سونپے رکھ کائے گئے جیہڑے پراںی دنیا دیاں 7 نوپکٹیاں شیواں وچوں سن۔ بنی بنان دا ول لکڑ نوں چھل کے تے نقشے دیکے پتھر تال دیاں تے ایہناں تال مذہبی، شکار تے فوجی کھالے انساناں تے جانوراں تال بنائے جاندے سن۔ سمیرق ویلے وچ لکیاں بنایاں چتاں دے کنارے لکھی۔ رنگتے پتھر دیاں، گتجے سر تے چھاتیاں تے پتھ سن۔ اکادی ویلے دیاں بنیاں دے سر دے وال لمے تے داڑیاں سن چپویں نارام سین۔ عمورق ویلے دیاں بنیاں توں کاگاش گڈیا وچ سمجیا جاسکدا اے جیدت چ گڈیا تے چادر سر تے لوپی تے پتھ چھاتی تے رکھے نیں۔ اشتر یوا جیہڑا بابل وچ 575 م پ وچ بنایا گیا سی بابل دے آرکیٹیکچر آرت دی وق نشانی اے تے ایہا کج حصہ پیگامون میوزیم، برلن وچ ہے۔

گیونل شیری 5000 ورت پراںی کالم پتھر دی بنی اک مورتی اے۔ عراق وچ ایہ اوہوں بنی جدوں پیچہ تے لکھن دا ول بننے گئے۔ گھئی عراق وچ ارک وچ گول پیپ وکیاں مھراں تے بنایاں مورتاں کھانی سناندا اک نوپکڈ ول سی۔ ایہ مھراں پتھر مٹی یا کسے پور شے دیاں وق بنیا یوسکدیاں سن۔ رات دی رانی عراق چوں لی کوئی 3900 ورت پراںی پتھر تے بنی عورت دیوک دی بنی اے جیدت پیر پیتھی ویلے دوائے پر سچے کھیں شیر تے الو نیں - گڈیا دی بنی 2144 – 2۱24 م پ ورت پراںی اے، ار دا سٹینڈرڈ، کھڑق بکرق، تادہ بلد تے گدھ دی پاکڑا پراںے عراق دے آرت دیاں مینیاں پرمینیاں نشانیاں نیں۔

لکھائی دا ول بنن تال پراںے عراقی لکھتاں وچ وق ایہنے آپ نوں دسدے نیں۔ لگگامشی 17 صدی م پ وچ لکھی گئی ایہدے وچ سمیرق تے اکادی دیوتاواں دیاں کھانیاں نیں۔ انزابسی، اکادی ویلے دی اک لکھت اے جیدت وچ یز آن دی کھانی دسی گئی اے۔ بابل دیاں لکھتاں وچ سب توں مٹی پرمینی لکھت انوما الیش اے جیدت وچ ایس کائنات دے بنن دی کھانی دئی گئی اے۔

پرانا مصر

ملکہ نیفرتیتی

پرانا مصرق آرت 5000 م پ توں لے کے 300 تک دے ویلے تک پھیلی ہوئی مصرق ریتل دی نشانی اے تے ایہدے وچ مورتاں، بنیاں، آرکیٹیکچر تے رکدیاں چیزاں آئدیاں نیں - ایہ مصری آرت پرائیاں قبرواں تے پاکڑا تھانواں نوں لپیا تے اینج ایہدے وچ مرن مگروں جیون تے پراںی جانکارا نوں بچان تے زور اے۔ ایہ آرت 3000 م پ توں لے کے نیچی سدق تک تے اچھے دوسرے تے تیسرے تیر ویلے وچ بنجا۔ 3000 ورت دے تے ویلے وچ ایہا تے باہر دا کوئی اثر ناں پیا تے جس ودیا ول تال ایہ نریا تے بنایا گیا اتھ تک اینج دا ای ریا، ایس ویلے دا منیا آرٹسٹ پیپلو پکاسو مصرق آرت نوں اثر لیندا اے۔

مصر اک سکا دیس ہون باجوں ایہئے بنیاں مورتاں ٹھیکہ ملیاں نیں۔ مصر دیاں بنیاں وچوں سب توں چوکھیاں جانایاں جان والیاں رامسیس II، اخناتون، نیفریتیتی، اوسگورن II، امھوتپ III، منکار تے نختناھون نیں،مصرق پاڈت پتھر توں لے کے مٹی تال بندے سن تے اوہنے تے کالے یا رنگتے نقش بنے پوندے سن۔ ایہناں وچ عام گر وچ وزین دے پانڈت مرتیان، کزت نیں۔

مصرق مندرار، محلان، برماں، قہراں، تے پور کولتھیاں نوں بٹان وچ اتہ، کالم پتھر، ریتک پتھر تے گریمانہ ورتے ڳئے۔ لکڑ ٹھوڑی بون باجوں ایدا ورتن ٹھوڑا ات۔ خوفو دا ابرام، ابوالھول، کرناک، نکسر، ادفو دے مندر ایدت وڈت ادھارن ھیں۔ مصری لکھتاں تے مورٹاں بٹان کئی پھیلاؤس ورکرت سن۔ اہہ اک بولتے توں بنایا چاندا سی۔ ایدیاں شانیاں مصر دے سکے موسم وچ رہ گیا پور کلاسیکی دنیا وچ وق ایدا ورتن سی پر پرکتے پورٹاں رہیاں۔

پراڻا یونان

پراڻا یونانی آرٹ بٹیاں، آرکیٹیکچر، پانڈت تے مورٹاں وچ دسد ات تے ایس تے یورپ تے ایشیا، وچ پاکستان تک اپنئے رنگ چھڈت دیے۔ یونانی پانڈت وکھریاں ولیاں وچ وکھریاں وکان تے نمونیاں وچ بدست سن۔ پانڈت جٹاں وچ مرتٹاں تے پٹیاں تے عام رنگی دیاں مورٹاں بٹیاں ہوندیاں سن۔ یونانی آرکیٹیکچر اپنی شان، ساکلی تے سونپ وچ اپنی ادھارن آپ ات۔ پڑگاموں، پارٹیشن، بیفسٹس دا مندر ویکھن ولیاں ٹھانواں دیں، مانگو دی ویس، سمونٹھریس دی ٹائیکے، یونانی بٹیاں دیاں ودیا ادھارن دیں۔

ٹکھئی ایشیا،

ٹکھئی ایشا، وچ آرٹ دی ریت بڑیہ ریتل توں ترقی پوئی اج دے ویلے تک ایڑی ا ات۔ پانڈت بٹیاں آرکیٹیکچر، مورٹاں تے اہہ آرٹ ویکھیا جاسکدا ات۔ مہنچودازو دی تہذیب کڑک، پنڈت بادشاہ، مہراں چنھاں تے ہاتھی بندہ تے سواستیکا بنے بولے سن، تے منی دے وڈت مرتٹاں تے پانڈیاں تے مورٹاں اوس ویلے دے آرٹ دا کھالہ ھیں۔بت بنانا بندو چین تے بدھ مت دی ریت رلی ات۔ اجنٹا دے غار پراڻی ہندستانی بتی دی اک ودیا ٹھان ات۔ بندو بڑاراں وریاں توں اپنئے دیوک دیوتاواں وشنوشیوا، لکشمی، گنیش، جنومنا، اندرارام تے سرمونی دیاں مورٹاں تے بٹیاں بنا کئے مندرار تے گراں وچ رکھدت آئے ھیں۔ اٹکے پنجاب وچ گندھارہ بدھ مت دے آرکیٹیکچر دی وڈی ٹھان سی۔ اہہ بٹیاں بدھ تے اودت جیون دے دوائے ھیں تے ویلے ٹال ایہماں دے بٹان وچ ندیدیاں آتیاں تے یونانی رنگ وق دسدا ات۔ مغل راج ویلے ایرانی رنگ موراں وچ دسدا ات۔ مغل راج ویلے دیاں مورٹاں مغل بادشاہواں تے اویساں دے جیون دے دوائے اق بٹیاں ھیں۔ کانگڑہ راجپوت تے پنجاب مورٹاں بٹان دے مغلان مگروں پکھرت سگول سن۔ مورٹاں دے ول توں انگریزاں نے آکے اپنا رنگ وق چاربا، قلعہ مینار قلعہبادین ایکب دی جت تے دئی وچ بنایا گیا اک میمار ات۔آرکیٹیکچر وچ پراڻے قلعیاں مندرار دے مگروں مغل ویلے وچ مغل آرکیٹیکچر ہندستان دی پھچان بندا ات۔ تاج محل، بادشاہی مسجد، شالامار باغ، شاہی قلعہ مغل آرکیٹیکچر دے کج نشان ھیں۔

اسلامی خطاطی

اسلامی خطاطی : ہہ ایک فن ھے، جو لکھنے سے تعلق رکھتا ھے۔ بالخصوص عربی حروف، خوبصورت انداز میں لکھنے کا فن۔ [1] اس فن کو اسلام سے جوڑدیاگیا، اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مقبول ہوتا ھے۔ اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریر اور تحفظ، اس فن کو فروغ ہونے میں کامیابی ملی۔ [2]

یہ فن عربی زبان یں میں نہیں بلکہ، فارسی، ترکی، اردو، آذربے زبانوں میں بھی عام ھے۔

خطاطی، بحیثیت اسلامی فن، کافی سرائی کئی۔ مذہب اسلام کے ماننے والے دنیا کے مختلف ممالک میں ہیں، اور مختلف زبانیں بو لتے ہیں۔ یہ فن، مسلمانوں کی مختلف زبانوں کو جوڑنے کا کام کیا ھے۔ عربی، فارسی، اردو، سندھی، آذربے، دیگرے وغیرہ زبانوں میں بھی یہ فن مقبول ہوا۔ قرآن کی کتابت میں یہ فن بہت ہی کارآمد رہا، چھاپے مشین ایجاد ہونے سے پہلے۔ کاتب حضرات یں ان زبانوں میں کتابت اور اشاعتوں کا بڑا اٹھایا۔ شمعاندیہ دور میں ’دیوانی‘ خط عروج میں آیا۔ دیوانی خط کا ایک روپ ’جلی دیوانی‘ یا ’دیوانی الجالی‘ ھے۔ رقتہ رقتہ ’رُقع‘ خط کا ارتقا ہوا۔

اشیا: خطاطی[ترمیم]

رواجی فلور پر خطاطی کی ھے، قلم، دوات اور رنگ، اہم ہیں۔

• قلم : خطاطی کے لیے مخصوص قلم بنائے جاتے ہیں۔ ”برو“ یا ”باس“ یا ”ہمو“ کے قلم مشہور ہیں۔ قلم کی ہڈی، حروفوں کی جوڑائی کے مطابق بنائے جاتے ہیں۔ حروف چتتے چوڑے، قلم کی ہڈی اتنی چوڑے۔

• دوات : دوات، شئی، اور ہمہ قسم کے رنگ بھی استعمال ہوتے ہیں۔

خطاطی سکھانے کے کئی مراکز بھی ہیں۔ شہر حیدرآباد کھن میں، اردو اکیڈمی، انجمن ترقی اردو، عابد علی خان ٹرسٹ، آج بھی خطاطی میں ٹریننگ دت رہے ہیں۔

مساجد اور خطاطی[ترمیم]

اسلامی ”مسجد خطاطی“ یہ بھی اسی فن کا ایک جز ھے۔ مسجدوں کی، میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ھے۔ مساجد میں قرآنی آیات، میناروں پر کندوں پر، اندرون کند پر قرآنی کلمات کا لکھا جاتا فن تعمیر۔فن خطاطی کا ایک مرکب ھے۔

صارت بسم الله الرحمن الرحيم، اور الله – محمد سلی الله علیہ و آلہ وسلم . مساجد میں لکھتا ایک عام رسم ھے۔ ان کے علاوہ، قرآنی آیات کا لکھا جاتا بھی عام ھے

عربی زبان

عربی (العربية –arabiya- al یا عربي/ لغة عربية arabī)، سامی زبانوں میں سب سے بڑک ھے اور عبرانی اور آرامی زبانوں سے بہت ملتی ھے۔ جدید عربی کلاسیکی عربی زبان(فصیح عربی یا اللغة العربية الفصحی) کی ٹھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ھے۔ فصیح عربی قدیم زمانے سے ہی بہت ترقی یافتہ شکل میں نئی اور قرآن کی زبان ہونے کی وجہ سے زندہ ھے، فصیح عربی اور بولتے جاتے والی عربی میں بہت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی ھے جیسے بولتے جاتے والی اردو اور ادبی اردو میں فرق ھے۔ عربی زبان نے اسلام کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانوں مکہ اردو، فارسی، ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ڈالا ھے اور ان زبانوں میں عربی کے ہی شمار الکفاۃ موجود ہیں۔ عربی کو مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ھے اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھنے کی وجہ سے عربی حروف اور الکفاۃ سے مانوس ہیں۔ عربی کے کئی لہجے آج کل پائے جاتے ہیں

مثلاً مصری، شامی، عراقی، حجازی وغیرہ مگر تمام لہجے میں ہو گئے والے ایک دوسرے کی بات بخوبی سمجھ سکتے ہیں اور لہجے کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے۔ یہ دالیں سے بائیں لکھی جاتی ہے اور اس میں ہمزه سمیت 29 حروف لہجی ہیں جنہیں حروف ابجد کہا جاتا ہے۔ (Arabic language)

حروف لہجی

حروف لہجی سے مراد وہ علامتیں ہیں جنہیں لکھتے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے۔ اکثر زبانوں میں یہ مشکل آوازیں کی علامات ہیں مگر کچھ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں بھی استعمال کیے جاتے ہیں۔ بعض ماہرین لسانیات کے خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا فنیقی لوگوں نے حروف کو استعمال کیا۔ بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں۔ بعض ماہرین ان کی ابتدا، کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں۔ اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لیے گئے ہیں۔ جنہیں حروف ابجد بھی کہا جاتا ہے۔ ان کی پرانی عربی ترتیب کچھ یوں ہے۔ ابجد ہوز حطی کلکن سغص فرشت ثلث ضلف۔ انہیں حروف ابجد بھی کہتے ہیں۔ علم جفر میں ان کے ساتھ کچھ اعداد کو بھی منسلک کیا جاتا ہے۔ جو کچھ یوں ہیں۔

اس طریقہ سے اگر بسم اللہ الرحمن الرحیم کے اعداد شمار کیے جائیں تو 786 بنتے ہیں۔ بعض اہل علم ہمزه (ہ) کو بھی ایک الگ حرف مانتے ہیں۔ اس حساب سے پھر عربی کے انتہی حروف لہجی بنتے ہیں۔ اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے علاوہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں۔ اردو میں ہمزه سمیت کل 37 حروف ہیں۔ اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی ظاہر کی جاتی ہیں مثلاً گھ، بھ وغیرہ۔ اردو میں فن تاریخ کوئی کی صنف موجود ہے جس میں اشعار یا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی تاریخ پرآمد کی جاتی ہے۔ اردو میں حروف کے اعداد حروف ابجد جیسے ہی ہیں۔ اضافی حروف کے لیے بھی ابھی سے مدد لی جاتی ہے۔ مثلاً پ' کے اعداد 'با' کے برابر، 'د' کے اعداد 'ڈ' کے برابر، 'ک' کے اعداد 'گ' کے برابر اور 'ت' کے اعداد 'ق' کے برابر شمار کیے جاتے ہیں۔